

از دوست و برادرِ بزرگم احمد تدین خواستم که اگر در مسیر جستجوی مشتاقانه ی همیشه اش در پهنه ی شعر و ادبیات انگلیسی، به نمونه هایی برخورد که به کار درج در این خانه ی قلم بیاید، در اختیارم بگذارد. فروتنانه، مانند همیشه، پذیرفت و حاصل، به نقد، شعرهایی ست از دو شاعر آمریکایی - یکی سفید: رابرت فراست و دیگری سیاه: پل دانبار.

paul laurence dunbar (June 27، 1872 – February 9، 1906)

برگردان: احمد تدین

ما صورتک به چهره داریم

صورتکهایی به چهره می بندیم که می خندند و دروغ می گویند ،

گونه هامان را می پوشانند و به چشمهامان سایه می افکنند -

این دینی ست که ما به فریب و نیرنگِ بشر پرداخت می کنیم ؛

با قلبهای دریده و خونچکان لبخند می زنیم ،

و با هزار شگرد و شعبده می بلعیم .

جهان چرا باید هوشمند باشد چندان

که دانه های اشک و آه ما را شماره کند ؟

نه ، بگذار بدان هنگام ، تنها ، که صورتکمان به چهره است،

ما را نظاره کند.

لبخند می زنیم ، امّا ، خدای من! شیونِ ما

از جانهای شکنجه شده مان به تو می رسد.

آواز می خوانیم ، امّا آه ، زمینِ زیر پامان

سست است ، و مفاک ژرف ؛

اما بگذار جهان در رؤیایی دیگر باشد ،

ما که به چهره صورتک داریم !

Robert Lee Frost (March 26, 1874 – January 29, 1963)

برگردان: احمد تدین

آتش و یخ

پایان جهان را جمعی ، سبب ، آتش دانند و کسانی ، یخ و من با کدامین اینانم ؟
با آنان که آتش را.

جهان ، اما اگر دو بار فنا می شد

آن قدر با نفرت آشنا شده ام

که بگویم

با یخ هم عالی ست !